

بازتاب رسانه‌ای گفتمان جنگ

(به مناسبت گرامیداشت هفدهمین سالگرد هفته دفاع مقدس)

مومن زاده

اشاره؛ سی و یکم شهریور ماه هر سال به عنوان سالروز آغاز هفته دفاع مقدس در کشور گرامی داشته می‌شود. در این هفته، به ابعاد مختلف جنگ ایران و عراق در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی توجه می‌شود. نویسندگان، مورخان و کارشناسان، فرصت را مغتنم شمرده، از طریق رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری تلاش می‌کنند تا علاوه بر فراهم کردن زمینه‌های بسط و گسترش موضوعات جنگ در سطح جامعه، مسائل، مشکلات و چالش‌های حوزه‌های تخصصی خود را مطرح و پیگیری نمایند. همچنین، فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی کشور با سخنرانی در مجامع و محافل و مصاحبه با رسانه‌ها به بازگویی ناگفته‌های جنگ می‌پردازند. برآیند مشترک تلاش‌های فوق در نهایت به شفاف‌سازی واقعیت‌های جنگ و نیز خلق گفتمان جنگ منجر می‌شود.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در جوامع کنونی مهم‌ترین ابزار انتقال پیام هستند لذا به مبحث مخاطب‌شناسی به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه تأثیرگذار در میزان ارزش‌گذاری پیام‌ها توجه می‌کنند. بر اساس تئوری برجسته‌سازی، رسانه‌ها در انتقال پیام‌ها نوعی اولویت‌سازی یا برجسته‌سازی ایجاد می‌کنند. این تئوری می‌گوید: اگر چه رسانه‌ها نمی‌توانند تعیین کنند که مخاطبان چگونه ببینند، اما می‌توانند تعیین کنند که درباره چه ببینند؛ به همین دلیل است که بررسی بازتاب رسانه‌ای یک موضوع یا یک تحول از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود.

نکته مهم دیگر اینکه تأمل در بازتاب‌های رسانه‌ای گفتمان جنگ به ویژه در مقاطع گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس از این جهت قابل توجه و پیگیری است که مجموعه پرسش‌ها، ابهامات و نگرانی‌های مطرح شده در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در این مقطع آشکار می‌شود. همچنین در اوضاع کنونی این انتظار ایجاد شده است که موضوعات و پرسش‌های اساسی جنگ نیز با پاسخ‌های جدیدی مواجه شوند.

۱- رویکرد فرهنگی

رسانه‌ها با تکیه بر منابع رسمی و غیررسمی در حوزه فرهنگی جنگ، رویکرد انتقادی داشتند. رسانه‌های داخلی با طرح دیدگاه‌های انتقادی تلاش کردند تا به نوعی نگرانی‌های این حوزه را که دارای ریشه‌های متفاوتی نیز می‌باشد، منعکس سازند.

اکثر دیدگاه‌های مطرح شده، خواستار تغییر وضعیت موجود می‌باشند. دیدگاه‌های رسمی به این باور رسیده‌اند که طی هفده سال گذشته، جنگ و ابعاد فرهنگی آن مورد غفلت قرار گرفته است. سردار افشار معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح طی سخنانی که خبرگزاری فارس مورخ ۱۳۸۴/۷/۶ آن را منعکس کرد، سیاست‌های گذشته را صراحتاً مورد انتقاد قرار داد. ایشان تأکید کرد: «از زمان خاتمه جنگ تاکنون اجازه طرح فرهنگ جبهه و ایثار در سطح جامعه داده نشده است.»

بنابراین به نظر می‌رسد دیدگاه رسمی کشور هنوز هم نسبت به مسائل ارزشی و فرهنگی جنگ حساسیت دارد. طرح این حساسیت‌ها و نگرانی‌ها اگر چه به موضوعی تکراری تبدیل شده است، لیکن با توجه به اینکه از سوی مراجع رسمی کشور مطرح می‌شوند، رسانه‌ها اقدام به برجسته‌سازی آنها می‌نمایند. سردار افشار در مصاحبه دیگری با خبرگزاری کار مورخ ۱۳۸۴/۷/۲ می‌گوید: «بعضی‌ها سیاه‌نمایی می‌کنند، عده‌ای از افراد هستند که در حوزه رسانه و کتاب و در پوشش داستان و حتی خاطره در مورد جنگ به سیاه‌نمایی پرداخته‌اند. نباید معنویات و واقعیات جنگ را زیر سؤال برد. به طور کلی اینها ذهنیت جامعه نیست، بلکه نوعی ذهنیت‌پردازی برای جوانان است.»

در مقابل، دیدگاه‌های غیررسمی مطرح شده در این باره، حکایت از وجود نگرانی‌های دیگری در میان نخبگان و نویسندگان این عرصه دارد. نگاهی به اهم موضوعات و مسائل این دیدگاه‌ها مبین این موضوع خواهد بود:

پیچیدن هاله‌ای از تقدس به دور حقایق جنگ موجب می‌شود تا هیچ‌گونه نقدی را برنتابد؛

نگاه صرف آرمانی - ارزشی به جنگ موجب پیدایش رویکرد احساسی به جنگ شده است و این در حالی است که نسل کنونی و آیندگان جنگ را استدلالی می‌پذیرند؛

در سال جاری و به مناسبت گرامی‌داشت بیست و پنجمین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی، رسانه‌های داخلی و خارجی تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و مسائل امنیتی منطقه، هفته دفاع مقدس را به شکل ویژه‌ای نسبت به سال‌های گذشته منعکس کردند. در واقع توجه به مسائل جنگ از دو جنبه "شکل" و "محتوا" نسبت به گذشته متفاوت بود. این تغییر و تحولات به شکل مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند تأثیر بسزایی در رویکردهای اساسی جنگ داشته باشد.

در این گزارش تلاش خواهد شد تا بازتاب‌های رسانه‌ای (داخلی و خارجی) جنگ که به مناسبت هفدهمین سالگرد هفته دفاع مقدس مطرح گردیده است با چارچوب مناسبی از آخرین تغییرات و دیدگاه‌های مطرح شده ارائه شود. به خصوص اینکه بسیاری از کارشناسان و مسئولان نظامی (دیدگاه رسمی) بر این باورند که اوضاع کنونی کشور فرصت مناسبی ایجاد کرده تا به شکل راهبردی به مسئله جنگ پرداخت. در عین حال، دیدگاه غیر رسمی دیگری معتقد است که از نظر زمانی هنوز نمی‌توان موضوع جنگ و مسائل مربوط به آن را نقد و بررسی کرد.

الف - بازتاب جنگ در رسانه‌های داخلی

رسانه‌های داخلی با بهره‌گیری از اوضاع سیاسی و اجتماعی داخل کشور و با پشتوانه نظری و تئوری برخی اندیشمندان توانستند در این دوره کارنامه موفقی نسبت به دوره‌های قبل در بازتاب جنگ از خود نشان دهند. برخی سایت‌های اینترنتی مانند ایسنا، خبرگزاری فارس و بازتاب با رویکردی تحلیلی - تاریخی به مقوله جنگ پرداختند؛ در عین حال برخی دیگر مانند ایلنا، حیات و خبرگزاری مهر در حوزه فرهنگ و ادبیات جنگ گزارش‌هایی تهیه کردند. روزنامه‌های داخلی هم در این خصوص به دو دسته قابل تقسیم هستند. برخی با انتشار ویژه‌نامه‌های تخصصی و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و محققان، به ابعاد وسیعی از جنگ را توجه کردند. ویژه‌نامه روزنامه‌های شرق و همشهری در این دسته قرار می‌گیرند. اما برخی روزنامه‌ها در حالی که بخش‌های زیادی از صفحات خود را در این هفته به موضوع جنگ اختصاص دادند، لیکن فعالیت خود را کماکان در سطوح بیان خاطرات جنگ، شعر و داستان و مصاحبه با فرماندهان غیر تصمیم‌گیر نگه داشتند.

پراکندگی و جزیره‌ای عمل کردن مراکز و نهادهای مسئول، از آسیب‌پذیری‌های این حوزه است:

عدم حمایت مناسب و جدی از نویسندگان و فعالان این عرصه؛ به عنوان مثال، داوود امیریان نویسنده ادبیات و هنر جنگ در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۶ اظهار کرد: "در جریان تألیف و تنظیم آثار ادبی و هنری مرتبط با دفاع مقدس هر سال جشنواره‌ای برگزار می‌شود و به برترین‌ها جوایزی اهداء می‌گردد، اما در همین جریان گاهی داوری‌ها به بیراهه می‌رود و آثار خوبی که شایسته تقدیر و دریافت جایزه هستند، نادیده گرفته می‌شوند."

نبود ارتباط واقعی میان ادبیات و هنر؛

عدم ورود نویسندگان بزرگ به این عرصه.

انتقادات فوق در حالی مطرح می‌شوند که بر اساس گزارش منتشره از سوی خبرگزاری مهر مورخ ۱۳۸۴/۷/۱، در حال حاضر بیش از بیست ناشر تخصصی در کشور در حوزه دفاع مقدس مشغول به کار هستند. این تعداد ناشر مشتمل بر مؤسسات دولتی و خصوصی می‌باشند که در هر سال بیش از یک عنوان کتاب در این حوزه منتشر کرده و در سه سال متوالی به انتشار کتاب در این حوزه پرداخته‌اند.

۲- جنگ و اوضاع سیاسی اجتماعی کشور

تأثیرپذیری موضوع جنگ از اوضاع حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور در این دوره از چند جهت قابل توجه است.

جایجایی قدرت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور از جمله انتخابات سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی و نیز انتخابات ریاست جمهوری در تیرماه ۱۳۸۴، موجب شد تا دیدگاه‌های جدیدی درباره نحوه مدیریت کشور و لزوم جایگزین شدن نسل‌های اول انقلاب با نسل‌های بعدی ارائه شود. دیدگاه مذکور به شدت در ارتباط با موضوع جنگ قرار گرفت. فراموش کردن تجربه‌های جنگ به واسطه کنار گذاشتن نسل مربوط به آن، از جمله موضوعاتی است که در قالب دیدگاه فوق به آن پرداخته شد. بر این اساس، بسیاری از رنج‌ها و نابسامانی‌های موجود در سطح جامعه معلول کم‌توجهی و بی‌اعتنایی به "نسل جنگ" قلمداد می‌شود. سایت بازتاب در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۲۰ نوشت: "شکی نیست که بخش اعظم وضعیت نابسامان جامعه ما، مستقیم و غیرمستقیم محصول سوء مدیریت هاست و این سوء مدیریت‌ها نیز از جانب کسانی

است که بر مسندهای ریاست و وکالت و وزارت تکیه زده‌اند، بی‌آنکه شایستگی خود را قبلاً به اثبات رسانده باشند."

از سوی دیگر، کشور در حوزه خارجی با موضوعات امنیتی مختلفی مواجه است. یکی از مهم‌ترین آنها، پرونده هسته‌ای است که در این خصوص، تشدید تهدیدهای غرب علیه منافع و امنیت ملی به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. چگونگی مقابله با این تهدید، مسئله‌ای است که در داخل کشور موجب پیدایش دیدگاه‌های مختلفی شد.

از جمله این دیدگاه‌ها که به نوعی گفت‌وگو میان رسانه‌های هفته دفاع مقدس را تحت تأثیر قرار داد، مقایسه شرایط فعلی کشور با زمان آغاز جنگ تحمیلی است که به طور مشخص بعضی فرماندهان نظامی ارائه کردند. بر اساس این دیدگاه، شرایط کنونی بهترین فرصت را برای استفاده از تجربه جنگ تحمیلی به منظور مقابله با تهدیدها به خصوص در قضیه پرونده هسته‌ای فرا روی کشور قرار داده است. علی شمشانی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی کشور در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا (۱۳۸۴/۷/۵) گفت: "تنها با قدرت می‌توانستیم جلوی جنگ را بگیریم، کما اینکه امروز هم همین‌طور است. اگر نتوانیم در مقابل تهدید، بازدارندگی داشته باشیم و در مقابل تجاوز قدرت پاسخگویی نداشته باشیم، قطعاً مورد تجاوز قرار می‌گیریم. بدون قدرت مذاکره ممکن نیست و..."

محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران نیز معتقد است: "اینکه عده‌ای می‌خواهند ایران را از حق هسته‌ای خود باز دارند، شباهت زیادی به جنگ هشت ساله دارد." ایشان در ادامه به منظور تبیین بیشتر این موضوع می‌گوید: "وقتی پس از سال اول جنگ، دیپلماسی را رها کردیم، در مدت کمتر از یک سال به مرز رسیدیم، بنابراین مسئله ما تنها با تولید قدرت حل می‌شود." (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۴/۷/۶)

سرلشکر غلامعلی رشید جانشین ستاد کل نیروهای مسلح هم در مصاحبه با ایسنا (۱۳۸۴/۷/۴) که به مناسبت گرامی داشت هفته دفاع مقدس انجام گرفت چنین بیان می‌کند: "تجاوز، حاصل خوی و خصلت صدام به اضافه فقدان قدرت بازدارندگی ایران بود. امروز هم آمریکا همان خوی و خصلت را دارد و ما باید با قدرت، آمریکا را به بازدارندگی برسانیم و می‌توانیم این کار را انجام دهیم."

نکته دیگر اینکه، پس از گذشت هفده سال از پایان جنگ

ایجاد مسیرهای انحرافی در روند بررسی‌های تاریخی و تحقیقی آینده خواهد شد.

یادآوری می‌شود، بررسی اسناد و مدارک موجود درباره جنگ ایران و عراق نشان دهنده آن است که حداقل سه پرسش اساسی در مورد ماهیت جنگ بیش از همه خودنمایی می‌کند. این سه پرسش موجب خلق نگرانی مهم دیگری نیز شده‌اند و آن اینکه پس از جنگ باید با آن چگونه برخورد کرد؟ سه پرسش عبارتند از:

- ۱- آیا وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر بود؟
- ۲- علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر چیست؟
- ۳- چرا جنگ این‌گونه (پذیرش قطعنامه ۵۹۸) پایان یافت؟ رسانه‌ها و مطبوعات داخلی کشور در این دوره به شکل ویژه‌ای و متفاوت با سال‌های گذشته به موضوعات و پرسش‌های اساسی فوق پرداخته‌اند. روزنامه‌هایی مانند همشهری و شرق با انعکاس دیدگاه‌های متفاوت تا حدودی در صدد طرح این پرسش‌ها و پاسخ به آنها برآمده‌اند. همچنین خبرگزاری‌های ایسنا، فارس و بازتاب تلاش کردند تا مخاطبان خود را با طرح مسائل اساسی و عمیق‌تر جنگ آشنا کنند.

تحول فوق‌بدین معنی است که شاید بتوان ادعا کرد، گفتمان رسانه‌ای در آینده قابلیت ورود به مسائل اساسی جنگ را پیدا خواهد کرد.

اگرچه در این نوشتار قصد نقد و بررسی دیدگاه‌های مطرح شده حول سه پرسش اساسی فوق را نداریم، لیکن اشاره‌ای کوتاه به آنها موجب خواهد شد تا اهمیت بازتاب رسانه‌ای گفتمان جنگ بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

به عنوان مثال، درباره پرسش اول یعنی اجتناب‌ناپذیری جنگ، رسانه‌ها به نقل از کارشناسان، مسئولان و منتقدان توضیحات و پاسخ‌های متفاوتی ارائه کردند. این پاسخ‌ها که به نظر می‌رسد هر کدام نماینده رویکردی خاص باشند، در قالب سه دسته قابل تقسیم‌بندی هستند. رویکرد نخست، معتقد است که دلایل اصلی جنگ را باید در ماهیت اصلی انقلاب اسلامی ایران جست‌وجو کرد. از این منظر، جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. چرا که جنگ را باید واکنش طبیعی کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به انقلاب اسلامی دانست. اما رویکرد دوم، علت حمله به ایران را در تحولات داخلی کشور

تحمیلی هنوز این سؤال مطرح است که آیا زمان بیان واقعیت‌های جنگ فرا رسیده است؟ هر گونه پاسخ به این پرسش در شرایط فعلی و آینده می‌تواند به‌طور جدی در تعریف ماهیت جنگ ایران و عراق مؤثر باشد. با وجود این و با توجه به برخی اظهار نظرهای مطرح شده، به نظر می‌رسد هنوز زمان بیان آنها فرا نرسیده است. این امر بدین معنی است که پاسخ به این پرسش به شدت از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور تأثیر می‌پذیرد. سایت اینترنتی بازتاب در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۳ به نقل از محسن رضایی نوشت: "بسیاری از مسائل ناگفته جنگ وجود دارد که برای بیان آنها باید صبر کرد تا شرایط تغییر کند. ممکن است با گفتن این مسائل، سوء برداشت‌هایی به وجود آید که در وضعیت فعلی کشور اثرات نامطلوبی داشته باشد." البته دیدگاه انتقادی دیگری در این باره به دلایل دیگری معتقد است. حمیدرضا جلالی‌پور در این خصوص می‌گوید: "فکر می‌کنم تا سی چهار سال دیگر نمی‌شود درباره جنگ به طور شفاف بحث کرد. دلیلش هم خیلی روشن است. به این دلیل که بچه‌های جنگ زنده‌اند و اینها نظرات و احساسات گوناگون دارند. لذا واکنش نشان می‌دهند و نمی‌شود آزادانه بحث کرد. عده‌ای هم میراث جنگ را در انحصار خود درآورده‌اند و از آن تفسیر رسمی هم می‌دهند و چنان برخورد می‌کنند که کسی جرأت نمی‌کند نظری متفاوت بدهد. لذا می‌شود گفت که هنوز امکان یک بررسی روشمند در مورد همه ابعاد جنگ مشکل است." (گفت‌وگو با ویژه‌نامه جنگ روزنامه شرق، مهر ماه ۱۳۸۴)

۳- رسانه‌ها و ماهیت جنگ

مسائل و موضوعات جنگ تحمیلی در قالب پرسش‌های مختلفی مطرح می‌شوند که پاسخ به آنها در تبیین ماهیت و چیستی جنگ ایران و عراق از اهمیت زیادی برخوردارند. این پرسش‌ها معمولاً در هفته دفاع مقدس مطرح می‌شوند، اگر چه به هیچ عنوان نباید انتظار داشت که در این مقطع زمانی پاسخ‌های دقیق و واقعی خود را دریافت کنند.

با وجود این، مرور اظهارات و مواضع مطرح شده در سطح رسانه‌ها در هفدهمین سالگرد هفته دفاع مقدس مبین آن است که این پرسش‌ها به راحتی می‌توانند از سوی رسانه‌ها و مطبوعات مورد چالش قرار گیرند که عدم توجه به آنها موجب

جست‌وجو می‌کند و می‌گوید اگر چه این حمله قابل پیش‌بینی بود، لیکن قابل پیشگیری هم بود. ابراهیم یزدی در گفت‌وگو با ویژه‌نامه روزنامه شرق که به مناسبت هفته جنگ منتشر شد، اعلام می‌کند که حادثه گروگان‌گیری سفارت آمریکا عامل اصلی حمله به ایران بود. در عین حال، در کنار دورویکرد فوق، نگاه دیگری شکل گرفته است که پاسخ به پرسش‌های این چنینی را با تکیه بر منابع و اسناد معتبر و تعمق در آنها با بهره‌گیری از متدولوژی‌های علمی و تاریخی دنبال می‌کند.

اما پرسش دوم که به نظر می‌رسد بیش از همه تحت تأثیر بازتاب‌های رسانه‌ای قرار گرفته، پرسش درباره "ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر" است. بهزاد نبوی که در ستاد جنگ دولت مهندس موسوی دارای مسئولیت بوده، در پاسخ به این سؤال که چرا جنگ پس از فتح خرمشهر پایان نیافت؟ به نشریه داخلی حزب مشارکت می‌گوید: "جنگ تا مرحله فتح خرمشهر جنبه دفاعی داشت. امام در این مقطع اعتقاد داشتند که جنگ باید پایان یابد، اما در اثر برخی مخالفت‌ها و تصور پیروزی‌های بزرگ‌تر و در زمانی کوتاه، جنگ ادامه یافت. تفاوت قواعد جنگ در حالت دفاعی و تهاجمی درک نشد. متوجه نشدیم بین آزادی خرمشهر و فتح بصره تفاوت زیاد است." (روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۷/۵)

اظهارات محسن رضایی به عنوان فرمانده سپاه در دوران جنگ تحمیلی نیز قابل توجه است. وی می‌گوید: «ما وقتی در جنوب به مرز رسیدیم، پیشنهاد آتش‌بس دادند. آتش‌بس یعنی شما در همان نقطه‌ای که هستید بمانید و از راه‌های غیر جنگ مسئله‌تان را حل کنید. امام این را نمی‌گفتند. حرف ایشان آتش‌بس نبود و نمی‌گفت نجنکید، می‌گفتند شما چرا می‌خواهید داخل خاک عراق شوید؟ همین جا بمانید و بجنکید، چه مانعی دارد؟ ایشان به جنگ اعتقاد داشتند، اما جنگی که سر مرز باشد. دلیلشان هم این بود که اگر شما وارد خاک عراق شوید، ممکن است بگویند شما تجاوز کردید.» (ویژه‌نامه جنگ روزنامه شرق، مهرماه ۱۳۸۴)

علاوه بر دو موضع فوق، دیدگاه سومی هم علی‌شمخانی مطرح کرد: "این سؤالی جهت‌دار و به منظور ابهام در مورد کل مراحل جنگ طراحی شده است که فاقد محتوا است. ما چاره‌ای جز ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر نداشتیم، از طرف دیگر هیچ‌کس در آن مقطع این سؤال را مطرح نکرد. بیانیته نهضت

آزادی در این مورد هم بعد از عملیات رمضان که در آن موفق نشدیم صادر شد. اگر بعد از فتح خرمشهر صلح می‌کردیم، تمام قدرت اصلی‌مان که ناشی از قدرت بسیج‌کنندگی مردم بود از دست می‌دادیم. کسانی هم که می‌گویند امام مخالف ادامه جنگ بود، امام را زیر سؤال می‌برند، چرا که امام فرمانده کل قوا بود. مهم‌ترین موضوع حیات سیاسی ایران موجودیت انقلاب در آن مقطع جنگ بود." (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۴/۷/۵)

بنابراین مشاهده می‌شود که هر گونه اظهارنظری در سطح رسانه‌ها و مطبوعات، به راحتی می‌تواند مهم‌ترین پرسش اساسی جنگ را تحت تأثیر قرار دهد.

به هر حال، جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت ۶ سال ادامه یافت. اما پایان آن هم به گونه‌ای موجب شده تا درباره علت چگونگی آن پرسش سوم و اساسی جنگ مطرح شود. به عبارتی، "چه شد که قطعنامه ۵۹۸ تصویب و مورد پذیرش ایران واقع شد؟"

مرور بازتاب رسانه‌ای مواضع و دیدگاه‌های مطرح شده در این خصوص هم مبین آن است که اختلاف نظری جدی وجود دارد. اما این بار نه میان دیدگاه رسمی کشور با دیدگاه غیررسمی، بلکه میان سیاستمداران و نظامیان کشور که در زمان جنگ عهده‌دار مسئولیت بوده‌اند. آنجا که به وجود دو سطح استراتژی یعنی "استراتژی سیاسی" و "استراتژی نظامی" اشاره می‌شود. در این چارچوب مطرح می‌شود که اگر چه پایان جنگ با توجه به مجموع شرایط و اوضاع داخلی و خارجی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، لیکن می‌توانست با نتایج بهتری پایان یابد ...

ب- بازتاب جنگ در رسانه‌های خارجی

رسانه‌های خارجی عمدتاً هفته جنگ را در ارتباط با مجموعه اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز تحولات سیاست خارجی و امنیتی کشور بازتاب دادند.

عمده نگاه رسانه‌های خارجی به موضوع جنگ و هفته دفاع مقدس در توجه دادن مخاطبان به تغییر و تحولات قدرت در داخل کشور و در نتیجه ارائه تحلیل‌هایی از جمله "بازگشت به دوران جنگ"، "توسعه میلیتاریسم و نظامی‌گری" و ... متمرکز بود. این رسانه‌ها با مقایسه اوضاع سیاسی اجتماعی کشور با دوران جنگ، دوباره قدرت گرفتن نیروهای انقلابی در کشور

اقتصاد ایران در جنگ هشت ساله با عراق؛

نگاهی به سینمای جنگ ایران؛

نگاهی به آثار ادبیات داستانی جنگ؛

نگاهی گذرا به موسیقی جنگ؛

هشت سال جنگ ایران و عراق: کتاب و نشر؛

بیان خاطرات جنگ از سوی مردم.

عناوین مزبور نشان دهنده آن است که پایگاه اینترنتی بی.بی.سی تلاش کرده است همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی امنیتی جنگ را مورد توجه قرار دهد و در عین حال، پرسش‌های اساسی جنگ نیز به نوعی پاسخ داده شوند.

بی.بی.سی در اولین و مفصل‌ترین گزارش خود به قلم مهرداد واعظی نژاد مسئله اجتناب‌ناپذیری جنگ را در بررسی پیشینه‌های تاریخی روابط دو کشور جست‌وجو می‌کند و بدین ترتیب دعوای ارضی و مرزی میان ایران و عراق را مهم‌ترین عامل در بروز جنگ معرفی می‌کند. در این گزارش، تحولات جنگ به چهار مرحله تقسیم‌بندی شده است: مرحله اول، پیشروی عراق؛ مرحله دوم، پیشروی ایران؛ مرحله سوم، جنگ فرسایشی و مرحله چهارم، حمله‌های آخرین و آتش‌بس. نویسنده پاسخ خود به یکی از سوالات مهم درباره جنگ یعنی علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را این‌گونه بیان می‌کند: "با قرار گرفتن ایران در موقعیت برتر، سران حکومت جمهوری اسلامی در این اندیشه بودند که با پیشروی در خاک عراق و ثبت پیروزی‌های بیش‌تر موقعیت خود را در پای میز مذاکره مستحکم‌تر کنند. یکی از بارزترین دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر همین اندیشه بود." یا درباره دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می‌نویسد: "وقایع سال ۶۶ تا ۶۷ به گونه‌ای بود که ادامه جنگ را تقریباً ناممکن می‌کرد. به جز موج حملات عراق و تحلیل قوای ایران، حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس و نگرانی از درگیری احتمالی با آمریکا نیز بر تصمیم مقامات ایرانی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و اعلام آتش‌بس موثر بود."

اما همان‌طور که از عناوین مقالات و گزارش‌های بعدی استنباط می‌شود، این پایگاه اینترنتی به پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فرهنگی جنگ و تأثیر آن بر رویکردهای جامعه توجه کرده است.

را به عنوان شاهدهی بر ادعاهای خود دانستند. رادیو فرانسه مورخ ۱۳۸۴/۷/۲ گفت: "تمایل نیروهای داخلی و قشر حاکم این است که شرایط را نظامی و جنگی کنند، چون برای تداوم حکومت خود پشتوانه داخلی چندانی ندارند."

همچنین در حوزه سیاست خارجی با توجه به مجموع اوضاع کنونی کشور، رسانه‌های خارجی در بازتاب دادن اظهارات مسئولان کشور رویکرد جدیدی را دنبال کردند. به عنوان مثال، اکثر این رسانه‌ها به آن بخش از اظهارات دکتر احمدی‌نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران که در مراسم رژه نیروهای مسلح کشور بیان شد توجه کردند که در پاسخ به تهدیداتی خارجی بود. خبرگزاری رویترز مورخ ۱۳۸۴/۷/۳۱ به نقل از رئیس جمهوری اعلام کرد: "آنانی که بخواهند از کرامت و بزرگواری ملت ایران سوء استفاده کنند و آزموده را دوباره بیازمایند، بدانند که آتش قهر ملت ایران بسیار سوزاننده و ویران کننده است." رادیو فرانسه هم در تحلیل این اظهارات گفت: "مجموعه‌ای از واقعیت‌ها را اگر کنار هم بگذاریم، می‌رسیم به اینکه در شرایط امروز حاکمان ایران شرایط تشنج‌زایی را دنبال می‌کنند."

علاوه بر موارد فوق، شاید عمده‌ترین تلاشی که از سوی رسانه‌های خارجی انجام گرفت، گزارش مفصلی است که سایت بی.بی.سی فارسی بر روی پایگاه اینترنتی خود قرار داد. این سایت در گزارش خود که به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق منتشر کرد، با استفاده از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران داخل کشور ابعاد مختلف جنگ را به بحث گذاشت. بررسی دقیق دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده در این گزارش از حوصله این نوشتار خارج است، با وجود این به نظر می‌رسد این پایگاه اینترنتی برای اولین بار موضوع جنگ را در چنین قالبی ارائه کرد. عمده‌ترین عناوین مقالات و گزارش‌های ارائه شده عبارتند از:

نگاهی به هشت سال جنگ ایران و عراق؛

توان و تاکتیک‌های نظامی ایران و عراق در جنگ هشت ساله؛
تأثیر جنگ ایران و عراق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی؛

تأثیرات منطقه‌ای جنگ ایران و عراق؛

دانش‌آموزان ایرانی و سال‌های جنگ هشت ساله؛

رزمندگان از جنگ بریده و بسیجی‌های جبهه ندیده؛

چ- نتیجه‌گیری

موضوعات حاشیه‌ای که عمدتاً در گفتمان رسانه‌ای جنگ بازتاب می‌یابد، چیست؟

در هفدهمین سالگرد هفته دفاع مقدس، به موضوعات و ابعاد متنوع و جدیدی از جنگ توجه شد و رسانه‌ها آن را منعکس کردند؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد گفتمان تازه‌ای درباره جنگ در سطح مطبوعات و رسانه‌ها خلق شد. یکی از نکات قابل توجه در این دوره، توجه به همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و نظامی آن بود. برای نخستین بار روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی تلاش کردند تا با بازگو کردن بخشی از واقعیت‌های جنگ از زبان مسئولان سیاسی و نظامی، از مسائل حاشیه‌ای دوری کنند. اگر چه همین مسئولان اذعان داشتند که هنوز زمان بیان همه واقعیت‌های جنگ فرا نرسیده است.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد، رسانه‌های داخلی و خارجی برای نخستین بار به موضوع جنگ با رویکرد تحلیلی تاریخی توجه کردند. همچنین در این مقطع دیدگاه‌های مختلف توانستند به مدد رسانه‌ها بار دیگر در مقابل یکدیگر صف‌آرایی نمایند.

رسانه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای پرداختن به مسئله جنگ، روش‌های جدیدی به کار بستند. دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف و متضاد، ارائه دوره‌بندی جدید از تحولات جنگ، پرداختن به جنگ با رویکردهای جدید از جمله جامعه‌شناسی، تئوری‌های روابط بین‌الملل و... و مقایسه تطبیقی آن، در قالب انتشار ویژه‌نامه‌های جنگ، روش کار تازه‌ای بود که در این دوره مشاهده گردید.

در عین حال، بازتاب رسانه‌ای گفتمان جنگ، هفده سال پس از پایان آن، نشان‌دهنده این نکته است که در اوضاع سیاسی و اجتماعی داخل کشور و نیز مسائل خارجی هنوز می‌توانند در مقاطع زمانی مختلف بر رویکردهای اساسی جنگ تأثیرگذار باشند.

با وجود این، این سؤال مطرح است که آیا طرح مسائل و موضوعات جنگ در سطح رسانه‌ها می‌تواند در تبیین واقعیت‌های جنگ موثر باشد؟ یا بالعکس، موجب خلق ابهامات و شائبه‌های جدیدی خواهد شد؟ در همین زمینه، پرسش دیگری به ذهن متبادر می‌شود و آن اینکه به راستی راهکار در امان‌نگه داشتن ماهیت جنگ که پرداختن به آن به عنوان بخش لاینقطع تاریخ کشورمان بسیار حائز اهمیت است از